

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - دهم

ژدی ماه ۱۳۴۰

اکنون از ما

دوره - سی ام

شماره - ۱۰

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : وحیدزاده - نسیم دستگردی)

زبان شیوای فارسی را دریابید!

زبان فارسی بتصدیق تمام محققان و دانشمندان زبان شناس از شیواترین و فصیح ترین زبان های جهان بشمار میرود. *علوم انسانی*

در هیچ يك از زبانهای دنیا باندازه زبان فارسی اینهمه آثار گرانبهای ادبی با مطالب متنوع اخلاقی ، عرفانی ، عشقی و داستانی بوجود نیامده وبدون تردید سهم لسان فارسی در این افتخار بزرگ بر تمام السنه زنده جهان برتری دارد.

در میان عوامل مختلفی که ضامن دوام و بقاء يك ملت است زبان در مرحله نخستین قرار دارد و جامعه ای که پاس زبان خود را نگاه ندارد نسبت بملیت و استقلال خویش لاقید و بی اعتناء خواهد بود.

زبان و ادبیات فارسی پایه و اساس ملیت ما را تشکیل میدهد و وظیفه هر

ایرانی است که در حفظ و حراست آن بکوشد و از هیچگونه فداکاری نسبت بآن کوتاهی ننماید.

اگر گفته شود مهمترین عاملی که تا کنون حیات و بقاء کشور ایران را از گزند حوادث و سوانح روزگار مصون نگاهداشته و استقلال ایرانی را در برابر سیل حملات و تهاجمات اقوام مختلفه بدوی و دسایس گوناگون ملل استعماری در مدت ده دوازده قرن حراست کرده همانا آثار گرانبهای علمی و ادبی و گنجینه‌های دانش و خرد و مآثر جاویدان آن بوده است راه اغراق نه پیموده‌ایم.

پادشاهان ادب پرور پیشین و شعرای بزرگ سخن‌سنج و دانشمندان خردپیشه در طول قرون متمادی کوشیدند تا زبان فارسی کنونی را که از لحاظ شیوایی و فصاحت سرآمد تمام زبانهای جهان است بوجود آوردند.

زبانیکه اینهمه مفاخر و مآثر بیهمال بجهان عرضه داشته و اینهمه گویندگان و بزرگان علم و هنر در دامان خود پرورش داده جای بسی شگفتی است که مورد بی‌اعتنائی و ناسپاسی ملت خود واقع گردد و تأسف‌آورتر آنکه گاه و بیگاه مورد حمله و تجاوز ناخلفانی سبکسر و ژاژ طبعانی فرومایه قرار گیرد.

در هر عصر وزمانی بیخردان و بی‌مایگانی بوده‌اند که بمصداق «طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد» با شمشیر جهالت و نادانی خواسته‌اند بر ریشه‌های محکم این درخت تناور که شاخه‌های نیرومند دانش و ادب آن سر بآسمان کشیده ضربتی وارد سازند و چون «دلشاد ملك معارف‌ها» خود را دیوانه و خنده‌انگیز مجالس و محافل معرفی نمایند.

در سی چهل سال اخیر که مخصوصاً دوران شدت و رواج اینگونه پندارهای نادرست و اندیشه‌های سخیف بوده نغمه‌های ناموزونی از حلقوم گوش خراش افرادی معدود که شاید بمرض صرع یا مالیخولیا مبتلی بودند برخاست که در مقام دانش و ذوق روی «دلشاد ملك معارف» قمی را سفید کردند.

در طول این زمان نخستین بار سخن از « انقلاب ادبی » بمیان آمد و سپس ترهاتی بنام « شعر نو » اختراع گردید که چون داعیان آن هیچگونه بهره‌ای از شعر و ادب نداشتند لاجرم هذیان گوئی ایشان دیری نپائید و در اندک مدتی بطاق نسیان و فراموشی سپرده شد.

در همین مدت عوامل دیگری از آنجمله « فرهنگستان » با وضع لغات و ترکیبات نادرست چنان هرج و مرجی در زبان بوجود آوردند که یاد گارهای شوم آن هنوز گاه و بیگاه بچشم میخورد چنانکه استاد علامه فقید « وحید دستگردی » در ضمن مقاله در این باره چنین نگاشت:

« همیشه وزیران درجه اول و حکمرانان کسانی بودند که زبان آنان چامه میسرود و خامه آنان نامه بلاغت مینگاشت و پیدایش بیبقی‌ها در اوایل وقائم مقام‌ها در اواخر برهان قاطع بردعوی ماست.

از دوره قایم مقام و امین الدوله و علی آبادی که منشآت آنان در کتابخانه اهل ذوق و ادب یاد گاریست بس شیوا هنوز چندی نگذشته که ناگهان معدودی بنام اعضای فرهنگستان!! در گوشه جمع و برای وزن شعر چند نفر از فضلاء راهم مهر خموشی و سکوت بر دهان زده و بند آهنین بر بنان و بیان بسته بدان جایگاه کشانیده و عکس العمل آن عصر بلاغت و دوره فصاحت را بوجود آوردند.

فضلاء با حسرت تماشا میکردند و ساکت بودند و آن معدود و گروهی که معنی هیچ کلمه فارسی را نفهمیده و برخلاف جامعه فارسی زبان و تمام کتب لغت فارسی و تمام دواوین شعرا ستید کلمه (دام) را گاو و گوسفند و زمین را آسمان و شب را روز ترجمه کرده یکباره زبان شیرین فارسی را از رونق و جمال انداخته و درست بضدیت فردوسی و نظامی و سعدی و برخلاف قائم مقامها و علی آبادیها و امین الدوله‌ها زبان را فاسد و اسباب تمسخر و استهزای عالمیان ساختند.

کتابیکه بنام (واژه‌های نو) از طرف فرهنگستان منتشر شده تمام لغاتش از اول تا آخر غلط و بیپوده است و ما بتدریج غلط بودن این لغات را مدلل خواهیم داشت. اصل واژه هم غلط و جای بسی تأسف است که بر فراز صفحهٔ این مجمع الاغلاط که از طرف دشمنان فارسی و اعدای فردوسی ایجاد شده يك مصراع شیواهم از حکیم فردوسی بحکم الهام آسمانی نوشته شده «توانا بود هر که دانا بود» و در حقیقت خود بناتوانی و نادانی خود اقرار و اعتراف کرده‌اند.

در مدارس و مکاتب امروزی ما زبان و ادبیات فارسی مورد کمال بی‌اعتنائی قرار گرفته و دانشجویان پس از فراغت از تحصیل از قرائت و تعبیر يك سطر نظم و نثر فصیح فارسی عاجز و از نوشتن يك نامهٔ معمولی ناتوان میباشند.

باهمهٔ فصاحت و زیبایی که در زبان فارسی موجود است غالباً اشخاص در گفته‌ها و نوشته‌های خود از راه خود نمائی و یا عدم وقوف کلمات خارجی استعمال میکنند و بیشتر مؤسسات و مراکز کسب و کارنامه‌های خارجی برای خود انتخاب مینمایند و ندانسته از این طریق موجبات انحطاط زبان فصیح مادری خود را فراهم میسازند.

بر عموم مردم ایران بویژه مصادر امور و وزارت فرهنگ واجب و لازم است که در حفظ و حراست این کاخ رفیع علم و ادب دقت بیشتری مبذول دارند و نگذارند بیش از این پایه‌های عظیم و نیرومند این بنای رفیع دوچار سستی و تزلزل گردد.

وحید زاده - نسیم

یاد دارم ز پیر دانشمند

توهم از من بیاد دار این پند

هر چه بر نفس خویش نپسندی

نیز بر نفس دیگری مپسند

(سعدی)